

## سلامت انتخابات، نظارت خبرگان و نظارت بین المللی

آقای جنتی : شما را حلال می کنیم، اما رفتار گذشته خود را اصلاح کنید

متن کامل گفت و گوی روزنامه اعتماد با مهندس محمد توسلی

۱۳۸۷/۷/۲۰

کیوان مهرگان

گروه سیاسی؛ تفاوتی که انتخابات ریاست جمهوری سال آینده با چند انتخابات گذشته دارد در ورود نیروهای سیاسی است که پیشتر یا در انتخابات شرکت نمی کردند یا اینکه تا روزهای نزدیک به انتخابات از اعلام نظر خودداری می کردند. اما این بار شرایط به گونه یی رقم خورده است که سازمان دانش آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت) پیشاپیش به استقبال انتخابات رفته و زودتر از سایر احزاب اصلاح طلب به معرفی کاندیدا پرداخته و از نامزدی عبدالله نوری حمایت به عمل آورده است. در عین حال حزب سیاسی مانند نهضت آزادی هم ورود خود را به انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده و سیدمحمد خاتمی را کاندیدای خود می داند هر چند در عین حال تاکید کرده احزاب اصلاح طلب باید گردهم آیند تا درباره رسیدن به کاندیدای واحد به توافق برسند. در این باره با محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت وگویی کرده ایم که آن را می خوانید.

\* اگرچه وضعیت کشور هنوز انتخاباتی نشده اما از هم اکنون می توان موضع گروه ها و احزاب در انتخابات را تشخیص داد. نهضت آزادی ایران یکی از آن تشکیلاتی است که همراه گروه های دموکراسی خواه و تحول خواه مواضع خود را بیان کرده است موضع دعوت نهضت آزادی ایران از آقای خاتمی ، اتفاقی که برای نخستین بار در تاریخ سیاسی ایران بعد از انقلاب است خصوصاً در ۱۰ سال گذشته، رخ داده است. چون نهضت آزادی ایران همواره برای شرکت خود در انتخابات شروطی را تعیین می کرد (چه آن شروط محقق می شد و چه نمی شد) و نهایتاً در رای گیری شرکت می کرد یا به رای اعتراض می رسید یا عدم شرکت در انتخابات. این بار نهضت آزادی برخلاف رویه خود عمل کرده است، در واقع بسیاری از مردم این سوال است که چه ضرورت تاریخی نهضت آزادی را به این نتیجه رسانده که در مشی گذشته خود تجدید نظر کند و با شرایط جدید به مقوله انتخابات ریاست جمهوری نگاه کند.

مواضعی که ما در انتخابات ریاست جمهوری دهم تاکنون بر اساس مصوبه دفتر سیاسی و شورای مرکزی نهضت اعلام کرده ایم کاملاً در راستای همان راهبردی است که در ۳۰ سال گذشته داشته ایم. در واقع ما همواره در جهت تقویت فرایند دموکراسی در هر مقطعی متناسب با شرایط تاکتیکی هایی مناسب با آن شرایط را انتخاب کرده ایم.

\* یعنی الان تاکتیکتان را عوض کرده اید.

حالا توضیح می دهم. به لحاظ استراتژیک و راهبردی هیچ تغییری به وجود نیامده و همان استراتژی گذشته است. ما با توجه به مشکل اصلی - حضور فرهنگ استبدادی - و تحول فرهنگی که نیاز به یک

تلاش فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مستمر دارد در هر انتخاباتی کوشش کردیم از آن فرصت استفاده کنیم و کار آگاهی بخشی انجام دهیم و به هر حال موانع برگزاری انتخابات آزاد، سالم و رقابتی را به چالش بکشیم. تا به تدریج هم مردم آگاهتر بشوند و هم حاکمانی که انتخابات را برگزار می‌کنند، مبتلا و آزمونی برایشان فراهم شود که آیا انتخابات برگزار شده آزاد و سالم بوده یا نه، انتخابات فرمایشی بوده است. اما این انتخابات ریاست جمهوری دهم از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که در انتخابات گذشته تا این حد با این خصوصیات و این ویژگی‌ها روبه‌رو نبودیم. من به چند محور اشاره می‌کنم؛ محور اول عملکرد دولت نهم است. در طول این سه سال هم در عرصه سیاست داخلی و هم بین‌المللی بحران‌های جدی برای کشور ما فراهم شده است و به‌رغم تعهدات و قول‌هایی که دولت نهم در آغاز کار خود داده بود ارزیابی عملکرد به‌طور ملموس در سطح جامعه هم به لحاظ اقتصادی، هم فرهنگی و هم اجتماعی خلاف این واقعیت‌ها را نشان داده است. در عرصه بین‌المللی ما با بحران روبه‌رو هستیم و یک اجماع جهانی مقابل ما است و به هر حال مخاطراتی است که امنیت ملی و آینده کشور ما را در معرض مخاطره قرار داده است. یک چنین واقعیت ملموسی را آحاد مردم از جمله فعالان و گروه‌های سیاسی با حساسیت دنبال می‌کنند و دنبال چاره‌اندیشی هستند. طبیعی است که نهضت آزادی ایران نیز نسبت به این مساله در این دوره مثل همه احزاب و گروه‌های سیاسی واکنش متناسب داشته باشد. محور دوم این است که در چند انتخابات اخیر ما شاهد نوعی مدیریت و یا به تعبیری مهندسی انتخاباتی هستیم. یعنی با هماهنگی شورای نگهبان و دولت نهم عملاً انتخابات مجلس هشتم و ریاست جمهوری طوری برگزار شد که همه شخصیت‌های شاخص نظام، احزاب و گروه‌های سیاسی انتخابات را غیرآزاد، ناسالم و غیررقابتی ارزیابی کردند. اظهارات آقای هاشمی‌رفسنجانی، آقای کروبی یا بیانیه‌هایی که جبهه مشارکت ایران اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران و نهضت آزادی ایران دادند موید این واقعیت است. در دوره اخیر کمیته دفاع از انتخابات آزاد که در کانون مدافعان حقوق بشر شکل گرفته است نیز انتخابات اخیر را با معیارهای قانونی و کارشناسی مورد بررسی قرار دادند و گزارش‌های خود را منتشر کردند. این گزارش‌ها نیز نشان می‌دهد که انتخابات دوران اخیر کاملاً خلاف قانون اساسی و معیارهای شناخته شده جهانی صورت گرفته است و این شرایط برای کسانی که نسبت به نظام و منافع ملی حساس هستند طبیعی است که احساس مسوولیت ایجاد کند و در واقع به نوعی بخواهند واکنش نشان دهند. البته در انتخابات‌های بعد از سال ۶۰ ما کم و بیش با این مشکل روبه‌رو بوده ایم و همواره در مورد آزادی و سلامت انتخابات همیشه تلاش داشته‌ایم ولی هیچ‌گاه اتفاق نیفتاده بود که شورای نگهبان بیش از دو هزار نفر از شخصیت‌های شناخته شده که نماینده مجلس بودند یا در دولت بودند، یا عضو شورای نگهبان بودند (یعنی حوزه و جایگاه شناخته شده‌ای داشتند) با اتهامات ناروایی ردصلاحیت کنند و کسانی که انتخابات را می‌خواستند مدیریت کنند افراد مورد نظر خودشان را انتخاب کنند. این یک اتفاق کاملاً جدیدی است که رخ داده و بنابراین به‌طور مشهود و روشن هشدار به همه علاقه‌مندان می‌دهد که باید فکری بکنند. محور سوم که فکر می‌کنم خیلی جلب توجه می‌کند و تا حالا سابقه نداشته این است که نهادهای قدرت از جمله مقام رهبری و نهادهای انقلاب مثل نماینده رهبری در سپاه اینطور شفاف اعلام کنند که دولت نهم برای چهار سال بعد هم کارشان را ادامه دهند. این درواقع اعلام رأی به جای مردم است و نفی جمهوریت نظام و نفی اراده مردم در انتخاب دولت مورد نظر خودشان است. چنین واقعیت‌های شفاف فضای جدیدی در کشور ما پدید آورده است که موجب شده زود هنگام همه احزاب و گروه‌هایی که افکار و دیدگاهی - به نوعی اصلاح‌طلبی - دارند به فکر چاره بیفتند و رایزنی‌ها را آغاز کنند و برای مقابله با تهدیدی که استحاله نظام و رکن جمهوریت نظام را نشانه

گرفته برنامه‌ریزی کنند و نهایتاً مجموع رویدادها این تحلیل را نشان می‌دهد که ما علاوه بر بحران فرهنگی و اجتماعی گرفتار انعقاد نشانه‌هایی از فروپاشی اقتصادی و فروپاشی جغرافیایی هستیم که ممکن است آینده کشور ما را تهدید کند. با توجه به این واقعیت‌ها سازمان دانش‌آموختگان ایران (ادوار تحکیم) نیز که در دوره گذشته انتخابات را مهم و تاثیرگذار نمی‌دانستند و بی‌تفاوت از کنار انتخابات گذشتند، این بار انتخابات ریاست‌جمهوری دهم را در دستور کارشان قرار دادند و در نشست سالیانه خود همان‌طور که آقای دکتر زیدآبادی گزارش کردند یکی از محورهای اصلی خودشان انتخابات بود و با ارایه تحلیلی از نامزدی آقای عبدالله نوری حمایت می‌کنند. نمی‌خواهم در اینجا راجع به این برنامه اظهار نظر کنم ولی به هر حال چنین حساسیتی در این انتخابات به وجود آمده است که به نوعی بازتاب همان واقعیت‌هایی است که اشاره شد.

بحث حضور، نقش آفرینی و جلوگیری از انحرافی که به وجود آمده است، دامنه وسیعتری نیز داشته است. در کنار چنین واکنشی که احزاب و گروه‌های سیاسی نشان داده‌اند، برخی از شخصیت‌های اجتماعی به فکر چاره‌اندیشی افتاده‌اند و مدل‌های جدیدی را معرفی کرده‌اند تا بتوانند به نیاز اصلاح‌طلبان در این انتخابات پاسخ دهند. طرحی که آقای الویری ارائه دادند اگرچه با واکنش منفی برخی احزاب و گروه‌های سیاسی که آن را غیرعملی ارزیابی کردند، روبه‌رو شد ولی به هر حال یک پدیده جدیدی است که قبلاً مطرح نبوده است. طرح پیشنهادی پارلمان اصلاح‌طلبان در واقع پاسخ به نیاز و راهکاری است برای خروج از مناسباتی که اصلاح‌طلبان در حال حاضر دارند. مشابه این طرح را آقای نجفی نیز ارایه داده‌اند که با تفاوت‌هایی همین ایده را منعکس می‌کند. بنابراین طبیعی است نهضت آزادی ایران نیز چون گذشته در راستای همان استراتژی یادشده نسبت به این انتخابات حساس باشد و در این انتخابات مواضع و تاکتیک‌های متناسب با این شرایط را اتخاذ کرده باشد.

محوری که همه اصلاح‌طلبان در ارزیابی انتخابات گذشته اتفاق نظر دارند این است که نامزدهای متعدد اصلاح‌طلبان حداقل یکی از دلایل شکست آنها بوده است. بر این اساس همه به این جمع‌بندی رسیده‌اند که اصلاح‌طلبان باید در این انتخابات نامزد واحدی داشته باشند. نهضت آزادی نیز این نظر را تایید و بر آن تاکید کرده است که راهی جز تلاش برای داشتن نامزد واحد نیست. البته به صورت آرمانی و واکنشی زیبا است که بگوییم اصلاح‌طلبان نامزد واحد داشته باشند ولی باید ببینیم چه راهکارهایی برای رسیدن به این هدف وجود دارد.

\* قبل از اینکه به نامزد واحد برسیم شما تقریباً چهار محور و چهار مساله را برای اینکه احزاب متفاوت از گذشته حتی با تغییر تاکتیک در انتخابات شرکت کنند ذکر کردید اما ما هنوز می‌بینیم که شورای فعالان ملی - مذهبی هنوز از اظهار نظر صریح پرهیز دارد، جبهه ملی، حزب ملت ایران و احزابی از این دست صراحتاً بر تحریم تاکید دارند، حتی ادوار تحکیم از نظر سنخ فکری نزدیک به نهضت است و جزء همسایه‌های نهضت محسوب می‌شود باز آنها کاندیدایی که انتخاب کردند که منجر به عدم شرکت در انتخابات می‌شود. آیا این دوستان سیاسی ما این ضرورت را جدی نگرفتند و چرا نهضت به تنهایی این تغییر تاکتیک را پذیرفته است.

جبهه ملی و حزب ملت ایران بعد از سال ۶۰ همواره بر مواضعی تاکید کردند که چون برخی از اصول قانون اساسی هماهنگ نیست و شرایط لازم برای انتخابات آزاد وجود ندارد هیچ‌وقت در انتخابات شرکت نکردند. بنابراین طبیعی است که در این انتخابات همان مواضع گذشته خود را داشته باشند ولی ممکن است در شرایطی آنها تغییر موضع بدهند. ولی شورای فعالان ملی - مذهبی، به‌عنوان یک حزب منسجم

عمل نمی‌کنند زیرا طیفی از دیدگاه‌ها در آن حضور دارند. افرادی مانند علیرضا رجایی اعلام نظر کرده‌اند و مهندس سبحانی نیز گفته‌اند ما آرزو می‌کنیم اصلاح‌طلبان بتوانند نامزد واحدی داشته باشند. اما این اظهار نظرها هیچ‌گاه به عنوان جمع‌بندی نظرات جمع آنها نیست و آنها نیاز به فرآیند طولانی‌تری دارند تا به جمع‌بندی برسند. ولی احزاب سیاسی مثل نهضت که تشکیلات منسجم‌تری دارند، در یک فرآیند کوتاه‌تر می‌توانند به تصمیم‌گیری برسند. فکر می‌کنم اگر همین روند ادامه پیدا کند، آنها هم در این زمینه واکنش نشان دهند و مواضعی مشابه ادوار تحکیم و نهضت آزادی داشته باشند. باید منتظر باشیم ببینیم جمع‌بندی تشکیلاتی آنها چه خواهد بود.

**\* می‌شود تاکتیکی که شما از آن نام بردید را بیشتر برای ما باز کنید؟**

تاکتیکی که ما در این دوره پیگیری می‌کنیم دو محور اصلی دارد. محور اول این است که با توجه به اینکه شورای نگهبان زیرمجموعه و منتخب مقام رهبری است و مشکلات انتخابات ما هم از شورای نگهبان نشأت می‌گیرد، بنابراین راهکار قانونی که در ظرفیت قانون اساسی است برای اصلاحات فرصتی است که مجلس خبرگان رهبری در عملکرد مقام رهبری طبق قانون اساسی نظارت کند و بتواند به مواردی که خلاف قانون اتفاق می‌افتد رسیدگی کرده و اعلام نظر کند. این راهکاری است که ظرفیت آن در قانون اساسی پیش‌بینی شده است و بسیاری از فعالان و شخصیت‌ها در این زمینه اظهار نظر کردند و کم‌کم به صورت گفتمان غالب در جامعه شکل می‌گیرد. بنابراین جنبش اصلاحات از ظرفیت قانون اساسی برای حل مشکلاتی که از جمله در انتخابات وجود دارد استفاده کند. این یک عمل اجتماعی است که برای تقویت جنبش اصلاحات پیشنهاد کردیم راهکار دوم که ما در انتخابات گذشته نیز مطرح کردیم نظارت بین‌المللی است. ما در اتحادیه بین‌المجالس عضو هستیم و در آنجا متعهد شدیم در چارچوب قوانین آنها عمل کنیم. آقای لاریجانی قرار است سفری به این اتحادیه داشته باشد. این هم یک راهکار و فرصت قانونی است. همه کسانی که در راستای مبارزه قانونی و مسالمت‌آمیز فعالیت می‌کنند باید این ظرفیت‌ها را بشناسند و مورد عمل قرار دهند. اگر راهکار نظارت مجلس خبرگان بر رهبری موفق نباشد و نتواند فرآیند انتخابات را اصلاح کند و آنچه که در انتخابات گذشته اتفاق افتاد، تکرار نشود، راه حل بعدی نظارت بین‌المللی است. فکر می‌کنم راهکار اول در شرایط کنونی بتواند پاسخ بیشتری داشته باشد همانطور که داشته است و هم آقای رفسنجانی و هم برخی از شخصیت‌های اجتماعی دیگر در این مورد اظهار نظر کرده‌اند.

**\* آقای مهندس با توجه به اینکه اصلاح‌طلبان به اهرم دوم توجه ندارند و فعلاً از اتخاذ چنین مواضعی پرهیز میکنند و این را هم مرزبندی خودشان با نهضت می‌دانند و اما راه اول با توجه به بافت مجلس خبرگان و اساساً روابط و مناسباتی که بین مجلس خبرگان و نهادهای قدرت است آیا چنین چیزی امکان‌پذیر است؟**

من آن را غیرممکن نمی‌بینم. به‌رغم بافت ویژه‌ای که در مجلس خبرگان رهبری وجود دارد اما جمعی از این بافت در جریان مشکلات این جامعه هستند و برای بقای روحانیت و حاکمیت نظام به هر حال وجدان آنها هم حساس است و در مقاطع حساس نشان داده‌اند که روحانیت شیعه وقتی در معرض خطر قرار می‌گیرد از خود واکنش نشان می‌دهد. این نوع اطلاع‌رسانی و اقدامات آگاهی‌بخشی که نهضت و بقیه گروه‌های سیاسی انجام می‌دهند موجب می‌شود روحانیت شیعه در آن مقاطع حساس -وقتی که کارد به استخوان می‌رسد- از این ابزارها استفاده کند. وقتی مشکلات اقتصادی در جامعه ما فراگیر است و

روحانیت با توده مردم ارتباط تنگاتنگی دارد و این فشارهای اقتصادی را از نزدیک و به شکل ملموس می‌بینند و تهدیدهای خارجی که در کشور وجود دارد را حس می‌کنند خود به خود آنها هم قانونا مسوولیت دارند و هم به لحاظ فشارهای اجتماعی احتمال دارد به وظیفه قانونی خود عمل کنند. اما وظیفه ما امر به معروف و نهی از منکر است، وظیفه ما آگاهی‌بخشی است که به مجلس خبرگان رهبری یادآوری کنیم شما طبق قانون این وظیفه را دارید و به این وظیفه عمل نکردید و این پیامدهای خطیر در جامعه وجود دارد.

\* به مقوله انتخابات بپردازیم. نهضت آزادی با گروه‌های اصلاح‌طلب چقدر همدلی و هم‌آوایی دارد. مضافاً این سوال زمانی بیشتر مطرح می‌شود که امسال برای اولین بار دبیر کل و برای دومین سال نهضت آزادی ایران در کنگره سازمان مجاهدین انقلاب به‌عنوان جریان موثر جریان اصلاح‌طلب حضور پیدا کرد و پیام داد و پیام آنها در ارگان این تشکل چاپ شد و هرچند فشاری آمد اما اعضای سازمان مجاهدین انقلاب از این مهمان خودشان دعوت کردند. آیا این موضع‌گیری اخیر نهضت و تغییر تاکتیک، پیرو این تبادل نظرات و رفت‌وآمدهایی است که نهضت با گروه‌های اصلاح‌طلب پیدا کرده است؟

ما همانطور که در نشریه وفاق ملی در سال ۸۱ توضیح دادیم، احزاب سیاسی باید با هم تماس داشته باشند و گفت‌وگو کنند تا اندیشه و فکر حزب در جامعه ما تقویت شود. بنابراین ما هم در طول دوران اصلاحات و بعد از اصلاحات همواره با همه احزاب و گروه‌های سیاسی این تلاش را داشتیم. طبیعتاً با احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب نزدیک‌تر بودیم و با احزابی مثل موتلفه این ارتباط محدودتر بوده، اما ما از همه فرصت‌ها استفاده کردیم و برای کنگره آنها پیام فرستادیم و مکاتبه با دبیرکل آنها داشتیم. به‌رغم برخی مواضع متفاوتی که وجود دارد اما وجوه اشتراکی زیادی هم وجود دارد و در چارچوب وجوه اشتراک باید این ارتباطات را توسعه دهیم. اما در زمینه انتخابات گفت‌وگوهایی، هم با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و هم جبهه مشارکت داشته ایم ولی این گفت‌وگوها محدود بوده است. در انتخابات دوره نهم نامزدی دکتر معین این ارتباطات خیلی نزدیک‌تر بود. آنچه می‌خواهم در اینجا مورد تاکید قرار بدهم این است که ما براساس آن نکاتی که قبلاً توضیح دادم، وجه اشتراک ما با بقیه اصلاح‌طلبان در این است که همه در شرایط کنونی بر یک نامزد واحد تاکید می‌کنیم و این را یک ضرورت برای پیروزی اصلاح‌طلبان می‌دانیم. اما چگونه به این ضرورت جامه عمل بپوشانیم؟ مجموعه رویدادهایی که در ماه‌های اخیر اتفاق افتاده نشان می‌دهد دو محور باید اضافه کنیم؛ اول، به نظر ما آقای خاتمی بهترین کسی است که می‌تواند محورائتلاف گسترده اصلاح‌طلبان باشد. این ظرفیت را آقای خاتمی بیش از دیگران دارد. نمی‌گوییم دیگران ندارند اما آقای خاتمی بیش از دیگران این ظرفیت را دارد که محور ائتلاف و هماهنگی طیف گسترده اصلاح‌طلبان اعم از سابقاً درون حاکمیت و بیرون حاکمیت باشند. کسانی که برای آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، قانونگرایی، قانونمند بودن برنامه‌های توسعه و در سیاست خارجی برای دوری از تنش و گسترش ارتباطات بین‌المللی در راستای منافع بین‌المللی تاکید دارند.

ائتلاف فراگیر روی آقای خاتمی لازم است ولی کافی نیست. به این دلیل که برای اینکه جبهه گسترده‌ای به‌وجود بیاید آقای خاتمی باید یک برنامه حداقلی را تدوین کنند که این برنامه حداقلی مورد توافق همه اصلاح‌طلبان قرار بگیرد و روی برنامه بتوانند با آقای خاتمی همکاری کنند نه شخص آقای خاتمی.

### \* پیشنهاد شما این است که ائتلاف اصلاح طلبان روی برنامه آقای خاتمی باشد؟

روی برنامه حداقلی که مورد توافق همه باشد. برای اینکه این برنامه حداقلی شکل بگیرد لازمه آن این است که گفت‌وگویی بین آقای خاتمی و احزاب و گروه‌های سیاسی شکل بگیرد تا از طریق این گفت‌وگوها محورهای حداقلی مشخص شود و نهایتاً بتواند چنین جبهه گسترده‌ای با برنامه‌های حداقلی تحقق پیدا کند و الا اگر قرار باشد به صورت شعار و یک طرفه آقای خاتمی و برخی از احزابی که از آقای خاتمی حمایت می‌کنند صحبت کنند، طبیعی است که دست کم دو گروه با آنها هماهنگ نخواهند شد.

### \* کدام گروه‌ها؟

یک گروه، گروه‌هایی که جزء اصلاح طلبان هستند و در نهادهای قدرت هم حضور دارند مثل کارگزاران. طبیعتاً باید به نوعی با آنها گفت‌وگو و تعامل شود تا آنها هم در چارچوب آن برنامه هماهنگ باشند. این طور نباشد که مثلاً کارگزاران بگویند ما امروز از آقای خاتمی حمایت می‌کنیم اما عملاً طوری رفتار کنند که نامزدهای دیگری مدنظر آنها باشد. چون بعضی چنین برداشتی را دارند. این برداشت نتیجه عملکرد برخی احزاب اصلاح طلب است. یعنی اگر این گفت‌وگوها شکل بگیرد کاملاً این سوء تفاهم‌ها برداشته می‌شود و یک نوع شفافیت و همدلی بین احزاب و فعالان اصلاح طلب به وجود می‌آید. گروه دوم کسانی هستند که در نهادهای قدرت حضور ندارند اما از قدرت و پشتوانه اجتماعی برخوردار هستند. با آنها هم باید گفت‌وگو شود که اصلاح طلبان بتوانند از پشتوانه اجتماعی احزاب و گروه‌های خارج از حاکمیت بهره بگیرند. در واقع به طور خلاصه اصلاح طلبان باید بپذیرند از این حلقه تنگی که پیرامون خود بسته‌اند خارج بشوند تا این جبهه گسترده بتواند شکل بگیرد و آن برنامه حداقلی به وجود بیاید و آقای خاتمی بتواند به طور گسترده وارد انتخابات شود. این محور دوم است. اما محور سوم این است که هم آقای خاتمی و هم سایر نامزدهایی که ممکن است به عنوان محور مشترک مطرح باشند باید بر التزام خود به قانون اساسی بیش از گذشته تاکید و تصریح کنند. تصریح کنند که نهادهای قدرت در چارچوب همین قانون اساسی است نه بیشتر. در واقع به نوعی باید تصریح کنند آنها هم حکم حکومتی را قبول ندارند.

### \* قبلاً هم تاکید کردند. آیا تاکید نکردند؟

لااقل برخی از نامزدها در گذشته قبول نداشته اند. البته نیازی هم نیست به صورت مستقیم این مطلب را بیان کنند. همین که به التزام به قانون اساسی تاکید کنند و اینکه تسلیم اراده‌های مافوق قانون اساسی نخواهند شد کفایت می‌کند. اگر ایشان این آمادگی را در خودشان نمی‌بینند که چنین محوری را بیان و یا حداقل عمل کنند توصیه می‌کنم وارد این عرصه نشوند، برای اینکه در این صورت دو ضربه وارد خواهد شد، هم به شخصیت فرهنگی و اجتماعی ایشان و هم به جنبش اصلاحات. ما باید برای جنبش اصلاحات مصونیت ایجاد کنیم تا از آسیب‌هایی که در آینده ممکن است بر آن وارد شود پیشگیری شود. در خصوص سلامت انتخابات و فرآیندی که در شورای نگهبان و وزارت کشور برای مدیریت انتخابات وجود دارد، اگر اصلاح طلبان نتوانند یک نیروی اجتماعی قابل ملاحظه داشته باشند نمی‌توانند از برنامه مدیریت انتخابات جلوگیری کنند و چنین انتخاباتی آزاد و سالم نخواهد بود. بنابراین با توجه به شرایطی که توضیح دادم نهضت آزادی ایران حمایت از آقای خاتمی را در چارچوب چنین شرایطی مطرح کرده است و اگر چنین شرایطی تحقق پیدا کند طبیعتاً نهضت هم در کنار آقای خاتمی خواهد بود ولی اگر این شرایط تحقق پیدا نکند نهضت باید مجدداً بررسی کند و شرایط جدید را در مواضع خود لحاظ کند.

\* آقای مهندس توقع و انتظار این بود که نهضت آزادی ایران پیش از آقای خاتمی سراغ آقای عبدالله نوری برود. چرا عبدالله نوری در دستور کار نهضت قرار نگرفت. اصلاً ایشان برای انتخابات بررسی شد؟

دفتر سیاسی نهضت تمام امکانات و تمام افرادی که می‌توانستند در شرایط کنونی محور این ائتلاف قرار گیرند مورد بررسی قرار داده است. ما با آقای عبدالله نوری ارتباط بسیار نزدیکی داریم و برای شخصیت و سابقه ایشان احترام قائل هستیم. اما دو موضوع را باید از هم تفکیک کنیم. واقعیت این است که اگر آقای خاتمی بیاید هزینه ردصلاحیت ایشان برای نظام بسیار بیش از آقای عبدالله نوری خواهد بود. بنابراین برای برگزارکنندگان انتخابات ردصلاحیت آقای خاتمی چالشی جدی است. مدیریت جنبش اصلاحات بایستی آنچنان هزینه ردصلاحیت نامزد خود را بالا ببرد که ردصلاحیت وی را هیچ کس در ذهن خود راه ندهد. اما آقای عبدالله نوری اگرچه به لحاظ قانونی دلیلی برای ردصلاحیت ندارند، تا آنجا که بنده به لحاظ حقوقی اطلاع دارم، برای اینکه ایشان از حقوق اجتماعی محرومیت پیدا نکردند. اما با توجه به رویه‌ای که شورای نگهبان در سال‌های اخیر داشته خیلی راحت‌تر می‌تواند صلاحیت آقای عبدالله نوری را رد کند. بنابراین ما نمی‌توانیم وارد فاز مثبت انتخابات شویم. فاز مثبت انتخابات و پیروزی در انتخابات در شرایط کنونی هدف راهبردی است. با حضور آقای خاتمی احتمال این پیروزی بیشتر است. ولی آقای عبدالله نوری می‌تواند همان‌طور که دوستان ادوار تحکیم تحلیل کرده اند حد اکثر محوری برای تقویت جنبش اجتماعی باشد و یا آرای خاموش قشرهای ناراضی جامعه را سازمان‌دهی کند. البته چندین اگر در این پروژه وجود دارد ولی امیدوار هستیم این اگرها عملی شود. اگر اول این است که خود آقای عبدالله نوری تاکنون صحبتی نکرده اند. دیگران از طرف ایشان صحبت می‌کنند. گام اول این است که ایشان بیایند مواضع خودشان را در شرایط کنونی اعلام کنند تا ایشان صحبت نکنند نمی‌توان روی گزینه‌ای که هنوز مطرح نشده اظهار نظر کرد. اگرهای بعدی این است که ساز و کارهایی که حمایت از عبدالله نوری بتواند جنبش اجتماعی در جامعه ایجاد کند نیاز به تحول بیشتری دارد و به نظر می‌رسد هنوز زمینه‌های عینی در جامعه فراهم نیست. بنابراین در مهندسی اجتماعی و برنامه‌ریزی اینچنینی باید واقع‌بینی به خرج دهیم و به جای اینکه در فضا حرکت کنیم در روی زمین حرکت کنیم. تا روی زمین حرکت نکنیم نمی‌توانیم گام‌های بعدی را برداریم. در مورد سایر برنامه‌ها توضیح دادم. در مورد پارلمان اصلاحات زمینه‌های عملی و اجتماعی آن در شرایط کنونی کمتر به نظر می‌رسد. گمان می‌کنم یکی از دلایلی که پیشنهاد پارلمان اصلاحات مطرح شده است، راهکاری برای رفع مشکل تنگ بودن حلقه‌ای است که برخی از اصلاح‌طلبان ایجاد کرده اند و با آن پیشنهاد می‌خواهند همه اصلاح‌طلبان بتوانند در تهیه برنامه انتخاباتی نامزد اصلاح طلبان بصورت منظم مشارکت کنند. آقای خاتمی و احزاب نزدیک ایشان می‌توانند با درایت و گفت و گوی منظم با همه اصلاح طلبان پاسخ این نیاز را به‌صورت عملی بدهند و فکر می‌کنم این نکته خیلی ظریفی است.

\* این پیش از اعلام حضور آقای خاتمی باید باشد؟

می‌تواند موازی عمل کند. این موازی عمل کردن زمینه پذیرش آقای خاتمی را فراهم می‌کند. آقای خاتمی مجموع اظهار نظرهایی که کردند و دغدغه‌هایی که دارند دو چیز است؛ یک، آیا احزاب و گروه‌ها و فعالان سیاسی و به‌طور مشخص آگاهان و روشنفکران ما تحلیل درستی از مخاطرات جامعه دارند که آقای خاتمی بخواهد هزینه کند و وارد انتخابات شود. دغدغه دیگر ایشان این است که دولت پادگانی و

نهادهای قدرت در مقابل ایشان چگونه عمل می‌کنند. به نظر من این دو دغدغه دو روی سکه هستند یعنی اگر رای مردم و نهادهای اجتماعی که رای مردم را معرفی می‌کنند قوی و گسترده شود همان‌طور که عرض کردم جبهه گسترده اصلاحات بتواند شکل بگیرد، خود به خود این بهترین فشاری است که نهادهای پادگانی و نهادهای قدرت نتوانند آنطور که برنامه‌ریزی کردند عمل کنند و تسلیم رای مردم و نخبگان جامعه بشوند و احتمال پذیرش و موفقیت آقای خاتمی بیشتر خواهد بود.

\* نهضت آزادی ایران در انتخابات گذشته شرط حمایت از آقای معین را تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر معرفی کرد. آن شرط اگرچه با پیروزی آقای دکتر معین بهتر مشخص می‌شد اما بعد از شکست ایشان و تلاشهای بعدی چند حزب و شخصیت‌های حقیقی عملاً تعطیل شد و به شکست منجر شد. آیا نهضت آزادی ایران از این ایده خود دست برداشته یا به دلیلی که شرایط آن را شما توضیح دادید به شرایط بهتری موکول کرده است.

این توضیح را بدهم که بحث آزادی، دموکراسی و حقوق بشر گفتمان عمومی جامعه ما است. این گفتمان عمومی باید به صورت یک نهاد اجتماعی متبلور شود تا بتواند همه کسانی را که این گفتمان را در حول و حوش این محور حرکت می‌کنند سازمان دهد. این نکته مثبت را عرض کنم در طول دو سال که کار کارشناسی با حضور نمایندگان احزاب و شخصیت‌های اجتماعی صورت گرفت، تجربه بسیار خوبی بود. یعنی این مجموعه توانست هم منشور واقع‌بینانه تدوین کند و هم اساسنامه و ساختار خود را تنظیم کند و حتی بیانیه اعلام جبهه را تهیه کرده بود. چه شد که این اتفاق نیفتاد؟ این همان ضعفی است که بعضی از اعضای اصلاح‌طلبان در مقطع انتخابات نشان دادند و این پروژه مسکوت مانده است. طبیعی است در شرایط مناسب این پروژه مسکوت به‌عنوان ضرورت می‌تواند ادامه پیدا کند.

\* با توجه به اینکه همزمان با افزایش مشارکت نهضت آزادی ایران در فعالیت‌های سیاسی، نهادهای اقتدارگرا نسبت به حضور و فعالیت نهضت حساس می‌شوند و نمود آن را می‌توانیم در رسانه‌های آنها ببینیم و تقریباً یک ماه تا یک ماه و نیم میانگین روزی یک خبر یا یک طنز یا یک جمله علیه تشکیلات نهضت دارند و نسبت به مواضع نهضت حساسیت نشان می‌دهند و در جلسات خود صریحاً اظهار نظر می‌کنند. فکر می‌کنید هرچه نهضت فعال‌تر شود تاثیر آینده انتخابات بر تشکیلات نهضت آزادی ایران چه خواهد بود؟

نهضت آزادی ایران در هر مقطعی متناسب با وسع و ظرفیت خویش کوشش کرده به وظیفه عمل کند. در شرایط کنونی که نمی‌توانیم فعالیت گسترده داشته باشیم برای اینکه نه دفتر و نه رسانه داریم. بنابراین در حد امکانات محدود خودمان کوشش می‌کنیم در چارچوب تحلیلی که از شرایط کنونی جامعه داریم به فریضه امر به معروف و نهی از منکر و رسالت یک حزب و سازمان سیاسی با توجه به پیشینه تاریخی خود عمل کنیم. ما به وظیفه خودمان در چارچوب قانون عمل می‌کنیم. آینده نشان خواهد داد کدام برنامه موفق‌تر است.

\* اگر آقای خاتمی نیاید به نظر شما اصلاح‌طلبان باید چه کار کنند؟ باز به دنبال نامزد دیگری بگردند یا اساساً موضوع انتخابات را از دستور کار خارج کنند؟

امیدوار هستم که مجموعه شرایط طوری مدیریت شود که آقای خاتمی بیاید، ولی اگر نیاید به هر حال باید گزینه بعدی را مورد بررسی قرار داد.



### \* خود شما مصداقی دارید؟

باید متناسب با شرایط بعد از آقای خاتمی بررسی کنیم. هنوز مصداق بعدی را بررسی نکرده‌ایم اما فکر می‌کنم نباید خیلی بسته فکر کنیم. تحولات اجتماعی طوری است که ما در هر شرایط باید متناسب با آن شرایط تحلیل کنیم و یک عمل اجتماعی در بیاوریم. اما اگر گزینه‌ای پیدا نشود و اگر این شرایط تامین نشود شرکت و رأی دادن در انتخابات مفید نخواهد بود. این مقوله‌ای است که هنوز فرصت برای بررسی آن وجود دارد تا در شرایط بعدی تصمیم‌گیری کنیم.

### \* آقای جنتی در نماز جمعه دادخواهی کردند از کسانی که به آنها ظلمی شده است. قطعاً چندین انتخابات از طرف ایشان به شما ظلم شده است. آیا ایشان را حلال می‌کنید؟

بله، آنچه به لحاظ شخصی است ما اهل کینه نیستیم. ما ایشان را حلال می‌کنیم. اما ما نمی‌توانیم از حق الناس بگذریم. عملکردی که ایشان در ردصلاحیت‌ها و مسخ اصول و آرمان‌های اولیه انقلاب داشتند. انتخابات آزاد و سالم از جمله مطالبات تاریخی ملت ایران در انقلاب اسلامی ۵۷ بوده است که با عملکرد خلاف قانون شورای نگهبان نادیده گرفته شده است. بخصوص با ردصلاحیت‌های بی‌رویه که انجام گرفته، تهمت‌هایی که به مومنین در این جامعه زدند، کسانی که ۵۰، ۶۰ سال در فعالیت‌های جامعه اسلامی حضور داشتند و منشأ خدماتی در جامعه ما بوده‌اند. این حق الناس است. ما نمی‌توانیم گذشت کنیم. رویه مرحوم مهندس بازرگان این بود که وقتی از او حلالیت می‌خواستند، ایشان نیز می‌پذیرفت چون مربوط به حوزه شخصی ایشان می‌شد. ولی در مورد آقای جنتی که مربوط به حوزه عمومی است شاید راهکارشان این باشد که ایشان روش خود را اصلاح کنند. اگر روش خود را اصلاح کنند و طبق اصل ۹۹ قانون اساسی اختیارات خودشان را در چارچوب نظارتی که قانون اساسی پیش‌بینی کرده و در واقع حمایت از حقوق اساسی ملت در قبال تخلفاتی است که قوه مجریه ممکن است انجام بدهد که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، یعنی نهاد ملت باشند نه نهاد قدرت. ایشان تا کنون در موضع نهاد قدرت عمل کردند و در مقابل حقوق اساسی ملت ایستادگی کردند. یکی از راه‌های آن برگشت است و فکر می‌کنم در چنین شرایطی زمینه فراهم می‌شود تا مردم گذشت کنند.